

روز بین المللی تساهل

و

آمار دینداران جهان

بر اساس يك نظرسنجی که به عنوان صدای مردم ۲۰۰۵ در اسفند ۸۳ تا مرداد ۸۴ (تا ژوئیه ۲۰۰۵) برای روشن شدن میزان دینداری مردم از پنجاه هزار نفر در ۶۸ کشور جهان به عمل آمده، چنین نتایجی گرفته شده است.

دینداران در پنج قاره جهان

۸۲٪ از مردم آمریکای لاتین،

۷۹٪ از مردم خاورمیانه،

۷۳٪ از ساکنان آمریکای شمالی،

۹۱٪ از مردم قاره آفریقا،

۶۰٪ از ساکنان اروپای غربی و شرقی (یونان با ۸۶٪ در جایگاه دیندارترین کشور اروپای غربی و نروژ با ۳۶٪ در جایگاه کمترین میزان دینداری در اروپای غربی) قرار دارد و کوزوو با ۸۶٪ و مقدونیه و رومانی هر کدام با ۸۵٪ دیندارترین کشور در اروپای شرقی شناخته شده است).

البته گفتنی است که طبق همین آمار، اقلیتی که خود را دیندار معرفی نکرده‌اند تنها ۶٪ آنان خود را بی‌دین توصیف کرده‌اند (و باقیمانده، خود را در حالت تحیر و شک و تردید معرفی نموده‌اند).

یادآور می‌شویم در توجیه و تبیین عامل دینداری (اعتقاد به خدا و جهان ماوراء طبیعت) دو دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاه مادی‌گرایانه، ۲. دیدگاه الهی. اینک به بررسی هر دو دیدگاه می‌پردازیم: (۱)

۱. دیدگاه مادی‌گرایانه

گروهی که دیدگاه مادی دارند پیوسته می‌کوشند هر پدیده اجتماعی و روانی و اقتصادی را با عوامل مادی توجیه کنند و آنجا که نتوانند به صورت قاطع سخن گویند فرضیه‌هایی برای آن می‌اندیشند تا بتوانند دیدگاه خود را فراگیر معرفی کنند.

طبق روال یاد شده، درباره گسترش دینداری در جهان نیز، فرضیه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی عرضه کرده‌اند ولی تمام تفسیرهای این گروه مبنی بر یک سلسله پیش فرض‌هایی است که هیچ‌کدام آنها نه تنها ثابت نشده بلکه با دلایل قطعی مردود شناخته شده است، این پیش فرض‌ها عبارتند از:

۱. «وجود مساوی با ماده است و هر کجا که از ماده خبری نیست از هستی نیز نشانی نیست».

این همان تفکر ماتریالیستی و مادی‌گرایانه است و دلایل قطعی بر نفی این تساوی گواهی می‌دهد.

۲. «ابزار شناخت منحصر به حس و تجربه است و هر چیزی که از قلمرو حس و تجربه بیرون باشد قابل شناخت نیست. بر این اساس، تفکر عقلانی و برهانی و شهودی و عرفانی بی‌معنی خواهد بود.

در حالی که این گزاره (انحصار ابزار شناخت به حس و تجربه) یک گزاره غیر مبتنی بر حس و تجربه است. در حقیقت مایه انتحار خود و خود شکن می‌باشد.

۳. «علوم تجربی که تنها رسالت آن، تبیین روابط پدیده‌ها است، و احياناً می‌تواند تأثیر پدیده‌ای در پدیده دیگر را، روشن سازد، این گروه نتایج آن را، تنها عامل مؤثر معرفی کنند، و تأثیر عوامل دیگر را، به کلی سلب می‌نمایند».

در حالی که رسالت دانش تجربی، اثبات یک فرضیه است، نه نفی فرضیه یا حقیقت دیگر است.

بنابراین هرگاه از طریق علوم تجربی، عاملی برای پدیده دین معرفی گردید نمی‌توان آن را

عامل منحصر دانست و به نفی عامل دیگر پرداخت زیرا ممکن است. در این مورد عوامل دیگری در کار بوده که از قلمروی علم و دانش تجربی بیرون می‌باشد.

۲. دیدگاه الهی

از دیدگاه الهی تمام پیش فرض‌های دیدگاه مادی گرایانه مورد نقد قرار می‌گیرد، والهیون با دلایل قاطع ماده را یکی از مظاهر هستی دانسته و افق هستی را گسترده‌تر از ماده و انرژی می‌دانند.

از نظر الهی در حالی که حس و تجربه یکی از ابزارهای شناخت است ولی يك فرد الهی به هیچ وجه به این تك ابزاری اکتفا نکرده و عقل و شهود را نیز جزء ابزارهای شناخت می‌داند. از نظر الهی کلیه نتایج علمی که وظیفه آن کشف روابط دو پدیده است مورد قبول می‌باشد و شخص الهی جهان را يك سلسله علل و معلول‌ها می‌داند که هر پدیده‌ای وابسته به پدیده دیگر می‌باشد ولی در عین حال علم را ناتوان‌تر از آن می‌داند که دایره هستی را ترسیم کند و این گونه نیست که نقشه وجود را در صفحه ماده منحصر بداند و سرانجام به نفی تأثیر عوامل نامرئی بپردازد.

از این جهت فرد الهی درباره دین و گرایش‌های معنوی به عاملی به نام « فطرت » معتقد است و بر این باور است که دینداری یکی از ابعاد روح و روان او را تشکیل می‌دهد، و بعدی که غایتی و اکتسابی نبوده و از برون وارد حوزه اندیشه او نشده است، از این جهت گرایش‌های دینی بسان دیگر تمایلات درونی انسان است که از درون او می‌جوشد چنان که هر فردی از ما حس علم دوستی، حس فضیلت خواهی، حس زیبادوستی را در وجود خود احساس می‌کند، بدون این که سرچشمه آن را در برون وجود خود بینگارد.

بر این اساس، روح دینداری و گرایش به عالم مافوق، يك خصیصه ذاتی و جبلی انسان است که پیوسته در تمام اعصاب و قرون و در تمام مکان‌ها خود را نشان داده است، بدون این که افراد، این اندیشه را از جایی کسب کنند.

یکی از نشانه‌های فطری بودن يك ميل، گستردگی آن است و ما آن را به صورت روشن در مورد دن داری از آمار و ارقام یاد شده کشف می‌نماییم.

وجود معابد و پرستش‌گاه‌ها و مساجد و کلیساها و کنیسه‌ها و غیره در سراسر جهان نشانه فراگیری این حس است و گواه بر این است که دین، ندایی است که بشر آن را از درون می‌شنود نه از برون. از این جهت تاریخ بشر با تاریخ دینداری گره خورده و تاکنون باستان شناسان بر تمدنی دست نیافته‌اند که اثری از دین و مظاهر دینی خالی باشد.

قریب ۸۰ سال، حکومت دیکتاتوری و مادی‌گرایانه کمونیسم بر يك پنجم جهان (اتحاد جماهیر شوروی سابق) حکمفرانی نمود. حاکمان ضد دین با برنامه‌های متعددی کوشیدند دین را از فرهنگ و جامعه خود بزدايند تا افراد این سرزمین‌ها دین و خدا را به کلی فراموش کنند ولی موفق نشدند و پس از فروپاشی کمونیسم بار دیگر دینداران به بند کشیده، بندها را شکسته و به معابد و پرستشگاه‌ها روی آوردند. آیا می‌توان این نوع گرایش را با پیش‌فرض‌های مادی توجیه کرد؟! (۱)

به امید روزی که پرچم قرآن در سراسر جهان برافراشته شود.

چه نیکو می‌گوید جلال الدین مولوی:

مضطفي ﷺ را وعده کرد الطاف حق	گر بگیری تو نمیرد این سبَق
من کتاب و معجزت را خافظم	بیش و کم کن راز قرآن رافضم
من ترا اندر دو عالم رافعم	طاغیان را از حدیث دافعم
کس نتاند بیش و کم کردن درو	توبه از من حافظی دیگر مجو
رونقت را روز افزون می‌کنم	نام تو بر زب و بر نقره زبم